



یادداشت‌های قرآنی

دکتر فریدون سیامک‌نژاد

یادآوری

همان‌گونه که در آیات قبل ملاحظه فرمودید، سخن از ظالمان و بیدادگران و متجاوزان بود.

در آیه فوق به سرانجام این گروه و گوشه‌هایی از مجازات آنان اشاره می‌کند. نخست آن‌ها را گمراهانی می‌شمرد که هیچ ولی و سرپرستی ندارند، می‌فرماید: کسی را که خدا گمراه کند، ولی و یاورى بعد از او نخواهد داشت.

بسم الله الرحمن الرحيم

وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ
وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَى
مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ (آیه ۴۴ سوره شوری)

کسی را که خدا گمراه کند، ولی و یاورى جز او نخواهد داشت، ظالمان را (روز قیامت) می‌بینی هنگامی که عذاب الهی را مشاهده می‌کنند، می‌گویند: آیا راهی به سوی بازگشت (و جبران) وجود دارد؟!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَائِعِينَ مِنَ الذَّلِيلِ يَنْظُرُونَ
مِنْ طَرْفِ حَافِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ
خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي
عَذَابٍ مُّقِيمٍ (آیه ۵۴ سوره شوری)

و آن‌ها را می‌بینی که بر آتش عرضه می‌شوند، در حالی که از شدت مذلت خاشع هستند، زیر چشمی (به آن) نگاه می‌کنند، کسانی که ایمان آورده اند، می‌گویند: زیان کاران واقعی آنان هستند که خود و خانواده خویش را روز قیامت از دست داده‌اند. آگاه باشید که ظالمان (آن روز) در عذاب دایم هستند!

یادآوری

گردن‌کشان و ظالمان که با غرور و نخوت و طغیان، به آزار و حق‌کشی مظلومان می‌پرداختند، در روز قیامت از آن کبکبه و دبدبه می‌افتند، به افرادی افتاده و خاشع تبدیل می‌شوند. علت آن هم، عذابی است که به خاطر اعمال خود در دنیا دچار آن می‌گردند. از این رو، آیه فوق چنین عنوان می‌کند که در آن روز، آن‌ها را می‌بینی که بر آتش عرضه می‌شوند، در حالی که از شدت مذلت خاشع بوده، زیر چشمی و مخفیانه به آن نگاه می‌کنند.

حالت وحشت و اضطراب شدیدی بر تمام وجودشان حاکم است، ذلت و تسلیم، سر تا پای آن‌ها را فراگرفته، دیگر خبری از آن همه گردن‌کشی و ستیزه‌جویی و طغیان و ظلم و استبداد و ایذا و آزار مظلومان نیست، زیر چشمی به آتش دوزخ می‌نگرند.

تعبیرهای قرآن مجید در زمینه هدایت و ضلالت به این صورت است که نه هدایت جنبه اجباری دارد، نه در ضلالت، اجباری هست. هدایت و ضلالت نتیجه مستقیم اعمال انسان‌ها است. گاه انسان کاری انجام می‌دهد که خدا توفیقش را از او سلب کرده، نور هدایت را از قلب او می‌گیرد، او را در ظلمات گمراهی رها می‌سازد.

این مسأله نه تنها اجبار نیست، بلکه عین اختیار است. به‌طور مثال، اگر کسی به خاطر اصرار در شرب خمر، گرفتار انواع بیماری‌ها شد، این اثرات شوم، مطلب ناخواسته‌ای نبوده، با دست خودش آن را فراهم ساخته است.

کار خداوند، سبب‌سازی به اسباب، بخشیدن اثر به اشیاء است، به همین جهت، گاه نتیجه‌ها را به او نسبت می‌دهند.

به هر حال، این یکی از دردناک‌ترین مجازات‌های این ظالمان است. سپس آیه می‌افزاید: ظالمان را در روز قیامت می‌بینی که وقتی عذاب الهی را مشاهده می‌کنند، سخت پشیمان می‌شوند، می‌گویند: آیا راهی به سوی بازگشت و جبران این بدبختی‌ها وجود دارد؟!

ولی این تقاضا با پاسخ منفی رو به رو خواهد شد، چرا که بازگشت امکان‌پذیر نیست. این یک سنت غیرقابل‌تغییر الهی است که سیر قهقرایی از عالم برزخ و آخرت به دنیا امکان ندارد (سه‌شنبه ۹۹/۱۰/۲۳).

همیشه براساس تکیه بر پروردگار یکتا می‌باشد. این افراد مؤمن و صالح جز خداوند قادر متعال، اولیاء و یاورانی ندارند که آن‌ها را یاری نمایند. این را هم باید در نظر داشته باشیم که هر کس را خدا گمراه سازد، هیچ راه نجاتی برای او نیست.

واقعیت مسأله این است که نقطه مقابل افراد مؤمن و مخلص، کسانی هستند که از خدا بریده‌اند، در روز قیامت، یار و یآوری ندارند. قدرت‌های مادی نیز در آن جا، همه از کار می‌افتند، به همین دلیل است که تک و تنها در برابر عذاب الهی قرار می‌گیرند. از این رو، آیه فوق نیز در ابتدا چنین می‌فرماید که آن‌ها، اولیاء و یاورانی ندارند که آنان را یاری کنند، عذاب الهی را از آن‌ها دفع نمایند.

برای تأکید بر این معنی نیز، در پایان آیه می‌افزاید: هر کس را خداوند گمراه سازد، راه نجاتی برای او نیست.

همان‌گونه که ملاحظه فرمودید، در آیات قبل متذکر شدیم که آن‌ها (ظالمان) ولی و سرپرست برای خود را نفی می‌کنند. ولی چنانچه گفتیم، در این آیه، نفی راه نجات می‌نمایند. دلیل مسأله هم این است که برای رسیدن به مقصد، هم باید وجود "راهی" باشد، هم این که وجود کسی به‌عنوان "راهنما" لازم است. اما این افراد گمراه و از خدا بی‌خبر، هم از آن محروم هستند، هم از این محروم می‌باشند.

بنابراین، علی‌رغم این که افراد ظالم و زورگو، در دنیا خدا را بنده نیستند، در آخرت

این ترسیمی است از حالت کسی که شدیداً از چیزی می‌ترسد و نمی‌خواهد آن را با تمام چشم خود ببیند، در عین حال نمی‌تواند از آن غافل بماند، ناچار پیوسته مراقب آن بوده، با گوشه چشم مراقب آن است.

هنگامی که حال انسان قبل از ورود در آتش چنین باشد، چه بر او خواهد گذشت، هنگامی که وارد دوزخ شده، در میان عذاب دردناکش قرار گیرد؟!

آخرین مجازاتی که در اینجا بیان شده، شنیدن ملامت و سرزنش دردناک مؤمنان است. چنان که در پایان آیه آمده و می‌فرماید: زیان کاران واقعی، آن‌ها هستند که سرمایه‌های جان و خانواده خود را در روز قیامت از دست داده، زیان کرده‌اند. سپس می‌افزاید: ای اهل محشر! همه بدانید که ظالمان و ستم‌گران، امروز در عذاب دایم خواهند بود (چهارشنبه ۹۹/۱۰/۲۴).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يَتَصَوَّرُهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ (آیه ۶۴ سوره شوری)

آن‌ها جز خدا اولیاء و یاورانی ندارند که یاری شان کنند، هر کس را خدا گمراه سازد، هیچ راه نجاتی برای او نیست.

یادآوری

توکل بر خداوند تبارک و تعالی از اصول مورد قبول افراد مؤمن بوده، اعمال آن‌ها

۲- پناهگاهی که انسان در کنار آن مصون بماند، وجود نخواهد داشت.

۳- کسی که بتواند در روز قیامت به دفاع از انسان بر خیزد، وجود ندارد.

در واقع، باید عنوان گردد که هر یک از جمله‌های سه گانه آیه مورد نظر، به نفی یکی از سه راه فوق، اشاره دارد.

اگر چه بعضی جمله "نه پناهگاهی دارید، نه مدافعی" را به این معنی تفسیر کرده‌اند، که شما هرگز در آنجا نمی‌توانید گناهان خود را منکر شوید، چرا که دلایل و شهود به قدری زیاد است که جای انکار نیست، ولی تفسیری که قبلاً شرح داده شد، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. به هر حال، باید توجه داشته باشیم که این دنیا دار عمل است، جهان باقی محل رسیدگی و قضاوت می‌باشد (جمعه ۹۹/۱۰/۲۶).

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فَإِن أَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَفِيظًا
عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً
فَرِحَ بِهَا وَإِن تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ
فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ (آیه ۸۴ سوره شوری)

و اگر روی گردان شوند (غمگین نباش)، ما تو را حافظ آنان (و مأمور اجبارشان) قرار نداده‌ایم. وظیفه تو تنها ابلاغ رسالت است، هنگامی که ما رحمتی از سوی خود به انسان بچشانیم، به آن دلخوش می‌شود، اگر بلایی به خاطر اعمالی که انجام داده‌اند به آن‌ها رسد (به کفران می‌پردازند، چرا که) انسان بسیار کفران‌کننده است.

دچار عذابی می‌شوند که هیچ‌گونه پایانی برای آن متصور نیست (پنج‌شنبه ۹۹/۱۰/۲۵).

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اسْتَجِیْبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ اَنْ یَّاتِیَ یَوْمٌ لَا
مَرَدَّ لَهٗ مِنْ اللّٰهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَا یَوْمَئِذٍ وَ مَا
لَكُمْ مِنْ نَّكِیْرٍ (آیه ۷۴ سوره شوری)

اجابت کنید دعوت پروردگار خود را، پیش از آن که روزی فرا رسد که بازگشتی برای آن در برابر اراده خدا نیست، در آن روز، نه پناهگاهی دارید، نه مدافعی.

یادآوری

باز هم صحبت از روز رستاخیز است و مجازات‌هایی که برای منکران قیامت وجود دارد. باید عمل انسان در دنیا طوری باشد که در جهان باقی، جایگاه مناسبی برای او در نظر گرفته شده، در حقیقت نتیجه کارهای مؤمنانه خود را ببیند و بچشد.

به همین دلیل است که آیه فوق چنین می‌فرماید که دعوت پروردگار خود را اجابت کنید، پیش از آن که روزی فرا رسد که بازگشتی برای آن در برابر خدا نیست، در آن روز نه پناهگاهی داشته، نه مدافعی خواهید داشت. واقعیت مسئله این است که برای نجات از عذاب الهی، راه‌هایی تصور می‌شود که تمام آن‌ها در آن روز بسته است.

به عبارتی، باید گفته شود که:

۱- بازگشت از آن جا، یعنی روز رستاخیز، به عالم دنیا و جبران خطاها و گناهان وجود ندارد.

یادآوری

قرآن مجید به کرات روی سخن را به پیامبر اسلام (ص) کرده، به او دلداری داده است. به این صورت که به ایشان یادآوری نموده است که اگر آن‌ها از تو روی گردان شوند، به هیچ وجه غمگین نباش، ما تو را مسؤول حفظ آن‌ها از انحراف به‌طور اجبار قرار نداده ایم. وظیفه تو تنها ابلاغ رسالت است، خواه پذیرا شوند، خواه نشوند.

تو باید رسالت الهی خود را به نحو کامل ابلاغ، بر آن‌ها اتمام حجت کنی. دل‌های آماده، آن را می‌پذیرند. هر چند گروه زیادی بی‌خبر اعراض کنند، تو مسؤولیتی در این زمینه نداری! در حقیقت، یک بار دیگر قرآن مجید خطاب به پیامبر گرامی اسلام (ص) چنین عنوان می‌نماید که هیچ اجباری در دین نیست. تو نیز نباید از این که بسیاری از افراد به رسالت تو توجهی ندارند و روی گردان می‌شوند، مأیوس شوی. توای پیامبر! تنها وظیفه ابلاغ رسالت الهی را داری.

نکته‌ای را که باید به آن توجه داشته باشیم این است که خداوند تبارک و تعالی،

نعمت را به خودش نسبت می‌دهد، چرا که مقتضای رحمت او است، مصائب و بلاها را به آن‌ها، چرا که نتیجه اعمال خودشان است. کلام آخر این که، از یک سو باید گفته شود که اجباری در دین وجود نداشته، پیامبر گرامی اسلام (ص) وظیفه ابلاغ رسالت الهی دارد. از طرفی، آن چه به انسان می‌رسد، نتیجه اعمال خود او است، خداوند آن قدر لطف و محبت نسبت به بندگانش دارد که جز نعمت، چیزی برای نوع بشر نمی‌خواهد. پس باید تمام مؤمنان متوجه اعمال خود در دنیا باشند، چرا که در روز رستاخیز باید پاسخ‌گوی آن در پیش گاه خداوند یکتا باشند. از خداوند می‌خواهیم که به ما توفیق دهد تا شاکر نعمت‌های الهی باشیم. از درگاهش مسئلت می‌نماییم که مصلحان و رهبران جامعه را طوری هدایت فرماید که در گفتار و کردار خویش، مروج ظلم ستیزی و عدالت محوری بوده، اجتماع و مردم را به تقوای الهی، تشویق و ترغیب نمایند (شنبه ۹۹/۱۰/۲۷).

ایام‌تان به کام، عاقبت‌تان ختم‌به‌خیر.
التماس دعا.